پنجشنبه ۴ دی ۱۴۰۴
شماره ۴۵۹۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

«فرهیختگان» نطق‌های طرح شده در جلسه سه‌شنبه‌شب نیویورک را تحلیل می‌کند

پیام صریح جلسه شورای امنیت؛ دنیا تغییر کرده

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

بدون انتشـــار بیانیه، بدون دستاورد خاص و پر از نزاع‌های تکراری. اولین نشست شورای امنیت بعد از پایان زمان قطعنامه ۲۲۳۱ روز سه‌شنبه در شرایطی برگزار شد که علت برگزاری از جانب کشورهای انگلیس، آمریکا و فرانسه، «عدم اجرای قابل توجه تعهدات ایران»، اعلام شده بود. در نقطه مقابل اما چین و روسیه با این استدلال که قطعنامه «منقضی» شده است تأکید کردند که این قطعنامه «هیچ اثر قانونی و اجرایی» ندارد و این کشورها نمی‌توانند با استناد به آن، مجدداً ایران را محکوم به عدم پایبندی به تعهداتشان کنند. چین و روسیه برگزاری این نشست را بلاموضوع دانستند. با این حال همان‌طور که انتظار می‌رفت جلسه شورای امنیت جز تکرار ادعاهای پیشین علیه ایران و ادعای لزوم تعطیلی برنامه هسته‌ای و اعلام محل نگهداری اورانیوم، خروجی دیگری نداشت. نکته روشن این نشست، همراهی روسیه و چین با ایران در مورد ادعاهای واهی علیه برنامه هسته‌ای ایران بود که این مواضع به عوامل و علل زیادی وابسته است.

در نشست شورای امنیت چه گذشت؟

اکتبر ۲۰۲۵ «پس‌گشت» آخرین اهرم فشاری که اروپایی‌ها علیه ایران در اختیار داشتند عملاً از دستشان رفت. برخلاف تهدیدها و بزرگ‌نمایی‌ها فعال‌سازی اسنپ‌بک، اثر چشم‌گیری به همراه نداشت که به تعبیر آن‌ها ایران ناچار به دادن امتیازات جدید در ازای چند ماه تعلیق آن بشود. با این حال اروپایی‌ها هر از چندگاهی برای اعمال فشار بر ایران به منظور بازگشت بازرسی‌های آژانس، ادعاهایی علیه برنامه هسته‌ای ایران مطرح می‌کنند. در آخرین نمونه هم کشورهای اروپایی اولین نشست شورای امنیت درباره ایران بعد از قطعنامه ۲۲۳۱ را با استناد به همین قطعنامه برگزار کردند. اقدامی که فاقد توجیه حقوقی بود. این در حالی است که اروپایی‌ها و آمریکا، معتقدند از آنجایی که قطعنامه‌ای که منجر به توافق هسته‌ای شد همچنان برقرار است، پس شورای امنیت همچنان می‌تواند به این موضوع ورود و استناد کند. بر همین اساس بخش زیادی از جلسه شورای امنیت متمرکز بر وجاهت یا عدم وجاهت برگزاری جلسه بود. مورگان اورتگاس، نماینده آمریکا در شورای امنیت در بخشی از صحبت‌هایش مدعی شد تمرکز اصلی واشنگتن بر بازگرداندن محدودیت‌ها و تحریم‌های جامع‌تر شورای امنیت است. اورتگاس در ادامه صحبت‌هایش صراحتاً خطاب به نماینده ایران در شورای امنیت، گفت: «دست دیپلماسی که به‌سوی شما دراز شده است را بگیرید.» البته این ادعا را در حالی مطرح کرد که در عین آنکه مدعی بود آمریکا آماده مذاکره معنادار است، اما از ایران خواست که حقوق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی خود را فراموش کند. نماینده فرانسه هم در توجیه برگزاری نشست شورای امنیت مدعی شد «قطعنامه ۲۲۳۱ در صورتی منقضی می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران دیگر وجود نداشته باشد.» آرچی یانگ، نماینده انگلیس هم خواستار بازگشت بازرسی‌های آژانس به تأسیسات هسته‌ای تخریب شده بود. چین و روسیه استدلال‌هایی حقوقی درست در نقطه مقابل این ادعا مطرح کردند و اصل برگزاری نشست را فاقد وجاهت قانونی دانستند. نبنزیا، نماینده روسیه برگزاری جلسه شورای امنیت و اعمال فشار برای برگزاری آن را «نقض فاحش رویه‌های قانونی» دانست. او در ادامه گفت: «برای آن‌هایی که فراموش کردند باید یادآوری کنم که تمام بخش‌های قطعنامه ۲۲۳۱، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شدند و تلاش‌ها برای حذف کردن موارد از قطعنامه ۲۲۳۱ معتبر نیستند.» و تلاش‌های اروپا را برای مطرح کردن دوباره قطعنامه اقدامی نمایشی خواندند که هدفش اعمال دوباره تحریم‌ها علیه ایران است. نماینده چین نیز همین اظهارات را به نحوی دیگر تکرار کرد و گفت: «برخی از کشورها در حال تحمیل اراده خود برای مطرح کردن مسائلی هستند که به اتمام رسیده‌اند و با این اقدام، اختیارات شورای امنیت را زیر سؤال می‌برند، اتحاد شـــورای امنیت را تضعیف می‌کنند و همچنین اختلافات را گسترش می‌دهند.» ایروانی نماینده ایران نیز با تأیید مواضع روسیه و چین به این موضوع اشاره کرد که قطعنامه ۲۲۳۱ اعتبار قانونی ندارد و اساساً برگزاری نشستی در چهارچوب عدم اشاعه، نقض صریح مقررات شورای امنیت است.

اروپا از جان قطعنامه چه می‌خواهد؟

با نگاهی کلی به محتوای نشست روز سه‌شنبه شورای امنیت چند موضوع کلیدی، مورد توجه قرار می‌گیرد. فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط اروپا در بازه زمانی برخلاف قوانین مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ اتفاق افتاد و عملاً قانون نقض شد، با این حال اروپا با اسنپ‌بک آخرین اهرم فشاری که علیه ایران داشت را از دست داد، اما برگزاری نشست شورای امنیت با موضوع عدم اشاعه، اقدام غیرقانونی دیگری است علیه ایران تا آنجا که نفس برگزاری این نشست در شورای امنیت در محل برگزاری نیز مورد بحث قرار گرفت. به نظر می‌رسد اروپا همچنان به دنبال آن است که با جسم بی‌جان قطعنامه ۲۲۳۱ دستاویزی تازه برای اعمال فشار بر ایران بسازد تا متقابلاً امتیاز بگیرد، از جمله آنکه برنامه هسته‌ای ایران به طور کامل تعطیل شود و نکته دیگر آنکه امکان بازرسی‌های آژانس در مناطق تخریب شده، فراهم شود.

دیپلماسی قلدرمآبانه

مواضع طلبکارانه آمریکا علیه ایران محوری دیگر از نشست شورای امنیت بود. نماینده آمریکا در حالی که مدعی بود کشورش خواهان مذاکره مستقیم و معنادار با ایران است که در کنار آن بر غنی‌سازی صفر و البته فراموش کردن حقوق بین‌المللی ایران تأکید داشت. ادعایی که بیش از آنکه رنگ و بوی استقبال از دیپلماسی بدهد، مقدمه‌چینی برای تحمیل نظرات و خواسته‌های آمریکا و پیروی از منطق قلدرمآبانه ترامپ، یعنی همان صلح از طریق قدرت بود. در مقابل، علاوه بر ایروانی که در نشست شورای امنیت به این اظهارات واکنش نشان داد، مقامات وزارت خارجه ایران نیز واکنشی تندی به این خواسته‌ها نشان دادند. عباس عراقچی، وزیر خارجه در بخشی از پیامش در ایکس نوشت: «دست دراز کردن برای دیپلماسی» به این معنا نیست که بمب‌افکن بفرستید و بعد با افتخار، ناکامی آن‌ها را موفقیت جلوه دهید!» تنش‌های حاکم بر نشســـت شورای امنیت میان ایران و آمریکا و همین‌طور واکنش‌های رسانه‌ای به این نشست روشن کرد دو طرف چه میزان از میز مذاکره دور هستند. در ادامه نیز این گزاره را اثبات کرد که عامل اصلی در عدم شروع مذاکره میان دو طرف آن است که طرف مقابل میزی برای مذاکره ترسیم نکرده و تنها از ایران می‌خواهد که خودش با دستان خودش از حقوق خود، صرف‌نظر کند و تسلیم شود.

فریاد نقض قانون اروپا از زبان روسیه و چین

در کنار مواضع رادیکال و خلاف قوانین نمایندگان اروپا و آمریکا، مواضع حمایتی روسیه و چین نیز حائز توجه بود. پیش از فعال‌سازی مکانیسم ماشه دو کشور صراحتاً علیه اقدام اروپا برای پس‌گشت واکنش نشان دادند. امری که نشان از تغییر موقعیت ایران در صحنه بین‌المللی و خروج از انزوایی بود که در چند سال اخیر، غرب برای تحقق آن تلاش زیادی کرده است. چین و روسیه برگزاری نشست شـــورای امنیت را بر خلاف قانون و فاقد وجاهت قانونی می‌دانند. آن‌ها بر خلاف مواضع جانب‌دارانه و سوگیرانه اروپا علیه ایران، با استناد به قوانین بین‌المللی نقض قانون در مورد ایران را متذکر شدند. این چرخش رفتار که نشان از تغییر مناسبات بین‌المللی و جایگاه بین‌المللی ایران داشت را می‌توان ناشی از نزاع چندقطبی که در سطوح مختلف میان روسیه و چین با اروپا و آمریکا در جریان است، دانست. دو کشور به‌خوبی می‌دانند که اعمال فشار بر ایران و اعمال تحریم‌ها تنها متوجه ایران نخواهد بود و اروپا و البته آمریکا در کنار تضعیف ایران از سایر اهرم‌های فشار علیه دو کشور دیگر استفاده خواهند کرد. چین و روسیه علی‌رغم روابط نه‌چندان صلح‌آمیزی که با آمریکا داشتند هیچ زمان حاضر به چالش انداختن روابط با آمریکا نبودند، در عین حال ایران را هم بازیگر مهمی قلمداد نمی‌کردند. اما در حال حاضر نظام بین‌الملل در آستانه تغییر است و از طرفی هم اثبات آنکه ایران بازیگری مهم است و همچنین اولویت را به ارتباط با همسایگان می‌دهد، منجر به سنگین‌شدن کفه حمایتی آنان از ایران شده است. البته باید به این گزاره توجه داشت که روابط ایران و روسیه و چین هیچ زمان از سود و زیان‌های حاکم بر روابط دیپلماتیک فراتر نرفته است.

در موقعیت خروج از انزوا

برخورد رفتارها و نگاه‌های متفاوت نمایندگان کشورها در مورد برنامه هسته‌ای ایران موجب شـــد، نشست شورای امنیت بدون صدور قطعنامه و خروجی مشخصی به پایان برسد، امری که اثبات می‌کرد شاید برای اولین‌بار است که ایران توانسته جایگاه خود را در صحنه بین‌الملل به‌عنوان بازیگری مستقل، قدرتمند و اثرگذار تعریف کند و رفتار دیگر کشورها را نیز متناسب با تعریف جدید، تغییر دهد. امری که ایران را از انزوای بین‌المللی خارج کرده و اجازه نمی‌دهد کشورهای اروپایی یک‌سویه اعمال فشار و تضعیف علیه ایران را رقم بزنند.

جواد صفی‌نژاد؛ پژوهشگرِ ایران‌بوم

ادامه از صفحه یک

در سال ۱۳۴۰ مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. او در سال ۱۳۴۵ به همراه دو نفر از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را پایه‌گذاری کردند. از سال ۱۳۴۶ پژوهش‌های عشایری استاد صفی‌نژاد در قلمرو کهگیلویه و به‌ویژه بویراحمد آغاز شـــد. ایشان در سال ۱۹۹۱ میلادی به‌مدت یک سال با مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه مونیخ آلمان در بخش ایران‌شناسی همکاری داشت و در دانشگاه مونیخ به تدریس پرداخت که حاصل آن، اثری است با همکاری کامران هاشمی که درگیرنده مجموعه‌ای از اسناد تاریخی از کشاورزی سنتی ایران است. او در دهه ۱۳۷۰ با پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری داشت. استاد صفی‌نژاد درباره علاقه‌اش به پژوهش درباره ایران گفته بود: «همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه‌های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، نود درصد آثار متعلق به پژوهش‌های ملی است. اگر بشنوم در دره‌گز کتابی راجع به دره‌گز چاپ شده می‌روم آن را تهیه می‌کنم. این قدر علاقه‌مندم که کتاب‌های مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم.»

صفی‌نژاد عمر خود را وقف جغرافیای روستایی، مردم‌شناسی عشایر و نظام‌های سنتی آبیاری ایران کرد؛ حوزه‌هایی که در حاشیه علوم اجتماعی رسمی قرار داشتند، اما برای فهم ساخت اجتماعی ایران اهمیتی بنیادین دارند. او برخلاف بسیاری از پژوهشگران دانشگاهی، کمتر درگیر بوروکراسی اداری شد و بیشتر عمر علمی خود را در میدان پژوهش گذراند؛ در میان عشایر، در قنات‌ها، در روستاها و در دل نظام‌های معیشتی‌ای که قرن‌ها در زیست‌بوم ایران دوام آورده‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های صفی‌نژاد، تأکید جدی بر کار میدانی حرفه‌ای و دانش زمینه‌مند و بومی بود. او پژوهش را نه صرفاً گردآوری داده، بلکه نوعی زیستن با موضوع مورد مطالعه می‌دانست. سال‌ها انس با عشایر ایران از او پژوهشگری ساخت که از درون، جامعه عشایری ایران را می‌شناخت. همین ویژگی بود که به آثار او عمق، دقت و اصالت بخشید. پژوهش‌های صفی‌نژاد درباره ایلات و عشایر و نیز قنات و کاریز، از حیث وسعت، دقت و استقلال علمی کم‌نظیرند. او در حوزه‌هایی کار کرد که کمتر مورد توجه بوده‌اند و غالباً بدون سفارش دانشگاهی یا حمایت نهادی، آثاری پدید آورد که حتی مؤسسات بزرگ پژوهشی نیز به‌سختی قادر به انجام آن هستند. اطلس عشایر کهگیلویه، منوگرافی‌های متعدد و کتاب‌های مربوط به قنات، تنها نمونه‌هایی از این تلاش خستگی‌ناپذیرند.

تســـلط استاد صفی‌نژاد بر نظام‌های سنتی آبیاری، به‌ویژه قنات، مثال‌زدنی است. یکی از کتاب‌های مهم او، «کاریز در ایران و شیوه‌های سنتی بهره‌گیری از آن»، متنی عمیق درباره نسبت انسان، طبیعت و فرهنگ در ایران است. صفی‌نژاد قنات را صرفاً یک سازه آبی نمی‌دید، بلکه آن را بخشی از نظم اجتماعی، اخلاق کار، همیاری و عقلانیت ایران‌بوم می‌دانست. در واقع، صفی‌نژاد با تکیه بر دهه‌ها پژوهش درباره قنات، می‌کوشید ارزش سنت‌های بومی آبیاری را در برابر الگوهای مخرب سدسازی مدرن برجسته سازد؛ الگوهایی که بدون توجه به بسترهای اجتماعی و زیست‌محیطی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به طبیعت و جامعه وارد کرده‌اند.

در کنار عمق علمی، منش انســـانی اســـتاد صفی‌نژاد نیز شایان توجه است. او انسانی فروتن، متین، خوشرو و بردبار بود که بدون گلایه از کم‌لطفی‌ها، راه خود را ادامه می‌داد. صفی‌نژاد از آن‌دست اندیشمندانی بود که بی‌هیاهو کارهای بزرگ انجام می‌دهند و کمتر در پی دیده‌شدن هستند. در مستند «زنده‌ام به جست‌وجو» ساخته منوچهر مشیری، این ویژگی‌های استاد به‌خوبی نمایان است. او همچنین مدرسی برجسته بود که طی چند دهه تدریس در دانشگاه‌های مختلف شاگردان فراوانی تربیت کرد. تدریس دروسی چون جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، مردم‌شناسی ایران، انسان و محیط، مسائل کوچ‌نشینی و نظام‌های آبیاری، نشـــان‌دهنده گستره و انسجام فکری اوست؛ دانشی که از میدان به کلاس درس منتقل می‌شد.

صفی‌نژاد در عین ریشه داشتن در فرهنگ ایرانی، چهره‌ای بین‌المللی نیز بود. حضور او در دانشگاه مونیخ و تدریس آبیاری سنتی ایران نشان داد که دانش بومی، اگر عمیق و مستند باشد، قابلیت جهانی شدن دارد. نیم‌قرن سعی و کوشش و همت علمی استاد جواد صفی‌نژاد را می‌توان نمونه درخشانی از پژوهش متعهدانه و عاشقانه دانست. عشق او به ایران، به مردم و به سرزمین، در تمام آثار و فعالیت‌هایش جاری است. او الگویی کامل برای نسل جوان پژوهشگران است: الگویی که نشان می‌دهد با وطن‌دوستی، پشتکار، کار میدانی عمیق و وفاداری به واقعیت‌های اجتماعی، می‌توان دانشی ماندگار آفرید.

جواد صفی‌نژاد مردی اصیل و ایران‌دوســـت بود؛ پژوهشـــگری که وجودش با فرهنگ، آب، خاک و کوچ ایرانی درهم‌تنیده شـــد و میراث ارزشـــمندی برجای گذاشت. چنین چهره‌هایی یادآور این حقیقت هستند که علم اجتماعی، اگر ریشه در زمین داشته باشد، هم فهم‌آفرین است و هم راه‌گشا. مجموعه آثار جواد صفی‌نژاد که شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و طرح‌های تحقیقاتی فراوانی‌اند، عمدتاً بر مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و قوم‌شناسی عشایری-روستایی ایران تمرکز دارند و با تحقیقات میدانی، تحلیل اسناد تاریخی و بررسی نظام‌های سنتی اقتصادی-اجتماعی، به حفظ و تفسیر میراث فرهنگی ایران می‌پردازند. این پژوهش‌ها که اغلب با نهادهایی مانند دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اجتماعی، میراث فرهنگی و آســـتان قدس رضوی همکاری داشته‌اند، جوامع محلی (به‌ویژه ایلات کهگیلویه، بویراحمد، بختیاری، قشـــقایی و عشایر مرکزی) را از منظر ساختار قبیله‌ای، خان‌خانی، کوچ‌نشینی، اسکان دوجانبه و تعاونی‌های سنتی توصیف می‌کنند. برای مثال، مونوگرافی‌های دهستان‌ها (مانند طالب‌آباد، سوق طیبی و سی‌سخت)، اطلس ایلات، شناسنامه عشایر و مقالات جمعیت‌شناسی (۱۱۲۸-۱۲۲۰ ه. ق) بر هویت ایلی، غارت خان‌ها و اقتصاد بومی تأکید دارند. در حوزه نظام‌های سنتی کشاورزی و زراعی، آثار بر بنه‌ها (تعاونی‌های جمعی پیش/پس از اصلاحات ارضی)، واحدهای اندازه‌گیری روستایی، اسناد قاجاریه جنوب تهران و تقسیم محصول در ایل قشقایی تمرکز می‌کنند که با طرح‌هایی مانند تحلیل اسناد ورامین (۱۲۹۰-۱۳۱۰ق) و دشمن‌زیاری (شناخت عشایری ۳-۵ قرن پیش) همراه شده و به مسائل مالکیت، کشت و برداشت و خط سیاق می‌پردازد. نظام‌های آبیاری و منابع آب سنتی، به‌عنوان یکی از محورهای اصلی، در کتاب‌هایی مانند نظام‌های آبیاری ایران، قنات‌های نائین/اردستان/کاشان، گاوچاه‌های جهرم و واژه‌نامه قنات و مقالات شگفتی‌های قنات، سنجش زمان آبیاری و بوکن (سکونتگاه مقنیان یزد) بررسی می‌شود؛ این بخش با طرح‌هایی مانند رابطه انسان-محیط در یزد و مدیریت آب در حاشیه کویر اشنیان ادغام شده و بر دانش بومی محیطی، بیابان‌زدایی و طومارهای آبیاری (قرن هشتم قزوین) تأکید دارد. او از خارخانه‌های سیستان (کولر آبی باستانی)، آبیاری کوزه‌ای برای هندوانه و ریشه‌های عمیق گیاهان کویر، نمونه‌هایی از دانش روستایی می‌آورد. بنا به گفته خود ایشان: «با اطمینان می‌گویم ۳۷ هزار کاریز در ایران وجود دارد، اما در منابع دیگر حدود ۳۹ هزار کاریز نیز ذکر شده است. قنات‌های ایران دو طبقه هستند و حدود ۳۴۰ متر ارتفاع دارند، به‌طوری که اگر مجموع این ارتفاع‌ها را حساب کنیم ۹ بار، دور کره زمین پیچیده می‌شود. دیوار چین هفت هزار کیلومتر طول دارد و در فهرست عجایب هفت‌گانه جدید قرار گرفته در حالی که کاریزهای ایران با طولی حدود ۸۰ هزار کیلومتر در این فهرست‌ها جایی ندارند و باید آن را به‌عنوان هشتمین عجایب دنیا معرفی کرد؛ اما متأسفانه مدیریت‌های نادرست باعث خشک‌شدن این کاریزها شده است.»

از سوی دیگر، تحلیل اسناد و متون تاریخی در تفسیر اسناد روستایی-عشایری (تربت‌حیدریه ۱۲۹۶ق، طبـــس، ورامین)، بازنویســـی متون کلاســـیک (حدودالعالم، جهان‌نامه، مسالک‌الممالک اصطخری، سفرهای سلیمان سیرافی) و مقالات تجارت دریایی (سلیمان تاجر سیرانی، مشتا در بندرعباس) برجسته است که با جغرافیای فرهنگی و ایران‌شناسی (وصف خلیج‌فارس در نقشه‌ها، لرهای ایران، مبانی جغرافیای انسانی، کهن‌شهرها) همراه شده و به تاریخ اجتماعی، مالیات لرنشین‌ها، نقد کتاب‌های سفر (بختیاری، بلوچستان) و میراث ناملموس (نان سنگک، آموزش خط سیاق، آب‌سنجی) می‌پردازد.

در مجموع، این آثار علاوه بر اینکه جوامع سنتی ایران (با تمرکز بر عشایر، آب و کشاورزی) را توصیف می‌کنند، بر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی-محیطی (مانند همایش‌های قنات یزد و سمینارهای جغرافیایی آستان قدس) نیز تأثیرگذار بوده و دکتر صفی‌نژاد را به‌عنوان «پدر کاریز/قنات ایران» تثبیت کرده‌اند. درنهایت، زحمات و خدمات علمی ارزشمند ایشان را پاس می‌داریم و امیدواریم پژوهشگران جوان از او الگو بگیرند و قدر آثارش را بدانند.

پیوند امام و امت عنصر پیروزی ایران

ادامه از صفحه یک

مشـاور رسـانه‌ای فرمانده کل سـپاه پاسـداران با بیان اینکه شـهدا حق بزرگـی بـر گـردن ملت ایـران دارند، تصریح کـرد: «از ابتـدای پیروزی انقـلاب اسـلامی همـواره ایـن حقیقـت در گـوش جـان مـا طنین‌انداز بـوده کـه شـهدا شـمع محفـل بشـریت‌اند و امـروز پـس از گذشـت ۴۷ سـال، به‌روشـنی می‌بینیـم کـه همیـن شـهدا روشـنی‌بخش مسـیر حیـات انقـلاب بوده‌انـد. همان‌گونـه کـه امـام راحـل فرمودند، شـهدا چشـم‌وچراغ ملـت هسـتند.» مقدم‌فـر ادامـه داد: «شـهدا در مقـام «عنـد ربهـم یرزقـون» متنعم‌انـد و بـا نـور الهـی خـود، زمینـه امنیت، آرامـش و عـزت جامعـه اسـلامی را فراهـم کرده‌انـد. آنـان قطب‌نمـای اصلـی حرکـت ملـت و راهنمـای مسـیر فـلاح و رسـتگاری‌اند و رهبـر معظـم انقـلاب نیـز در دیدارهـای اخیـر بـا خانواده‌هـای شـهدا بر این حقیقـت تأکیـد کردنـد که شـهدا پرچـم‌داران ایسـتادگی و نماد حیات یـک ملت‌انـد.» وی بـا اشـاره بـه دو لایـه ظاهـری و باطنـی شـهادت گفـت: «در لایـه ظاهری، شـهادت به‌معنای ازدسـت‌دادن انسـان‌هایی اسـت که در بسـتر ارزش‌های الهی رشـد یافته و تمام سـرمایه وجودی خـود را در راه اسـلام و وطـن فـدا کرده‌انـد؛ اما در لایه باطنی، شـهادت نمـاد سـازش‌ناپذیری، عـزت، مقاومت و سـرافرازی یک ملت اسـت. خـون شـهدا پرچمـی را برافراشـته کـه هرگـز بـر زمین نخواهـد ماند.»

مشـاور فرهنگـی و رسـانه‌ای فرمانده سـپاه پاسـداران با اشـاره به مصادیق عینـی ایـن حقیقـت افـزود: «همان‌گونه که در هشـت سـال دفـاع مقدس و پـس از آن، به‌ویـژه در شـهادت چهره‌هایـی چـون سـردار حاج‌قاسـم سلیمانی، نشانه‌های روشنی از این استمرار را مشاهده کردیم، رهبر معظم انقـلاب تصریـح کردنـد کـه تأثیر و خدمات «شـهید سـلیمانی» حتی از «سردار سلیمانی» نیز فراتر بوده است؛ چراکه او در بستر انقلاب اسلامی رشـد کـرد، در مکتـب امـام خمینـی (ره) بالیـد و بـا هدایت رهبـر انقلاب بـه شـکوفایی رسـید و ثمـرات آن در قالـب خدمات بزرگ نمایان شـد.»

مقدم‌فـر بزرگ‌تریـن نقش‌آفرینـی سـردار سـلیمانی را پایـان‌دادن بـه پـروژه داعـش در جهـان اسـلام دانسـت و گفـت: «این شـهید بزرگوار بـا شـهادت خـود مکتـب و فرهنگـی را بنیان نهاد که امـروز الهام‌بخش جریـان مقاومـت اسـت و بدون تردیـد این مکتب به تکثیـر مجاهدانی در تـراز شـهید سـلیمانی منجـر خواهـد شـد.» وی افـزود: «شـهادت چنیـن مردانـی نسـلی را پدیـد آورده کـه شوروشـوق مقاومـت در دل آنـان زبانـه می‌کشـد و امـروز بسـیاری از ملت‌هـا آرزو دارنـد در ایـن مکتـب، درس عشـق بـه شـهادت بیاموزنـد. ایـن اثرگـذاری، فراتـر از احساسـات سـطحی اسـت؛ شـوق لقاءالله و احسـاس تکلیف الهی، جوهـره حرکـت شهداسـت و نمی‌تـوان ایـن دسـتاورد عظیـم را با نگاه صرفـاً احساسـی تحلیـل کرد.»

مشـاور فرهنگـی و رسـانه‌ای فرمانـده سـپاه بـا اشـاره بـه مسـئولیت رسـانه‌ها گفـت: «رسـانه‌ها وظیفـه‌ای سـنگین بـر عهـده دارنـد تـا این حقیقـت بـزرگ را با زبان هنر و رسـانه به نسـل‌های آینـده منتقل کنند.»

مقدم‌فـر بـا گرامیداشـت یاد شـهدای اسـتان زنجان، این اسـتان را نماد ایسـتادگی و خط‌شـکنی توصیـف کـرد و افزود: «زنجـان که به پایتخت شـور و شـعور حسـینی شـهرت دارد، در همه مقاطع انقلاب اسـلامی جلـوه‌ای روشـن از عـزم، اراده و ولایت‌مـداری را بـه نمایـش گذاشـته اسـت و مـردم ایـن اسـتان همـواره در مسـیر اهل‌بیـت(ع) و عشـق بـه امام حسـین(ع) پیش‌گام بوده‌اند.» وی با یادکرد از شـهید سـید رضی موسـوی به‌عنـوان یکـی از شـهدای برجسـته مدافـع حرم گفـت: «این شـهید والامقـام بـا مجاهدتی خالصانه در دفـاع از حریم اهل‌بیت(ع) به شـهادت رسـید؛ مرد بزرگی که شـهید سـید حسـن نصرالله همواره از وی بـه نیکـی یـاد می‌کرد.»

مشـاور فرهنگـی و رسـانه‌ای فرمانـده سـپاه پاسـداران شـهدای جنـگ ۱۲ روزه را شـهدای مظلـوم خوانـد و گفـت: «ایـن شـهدا در نبـرد بـا رژیـم صهیونیسـتی، آمریـکا و متحدانشـان، با عزت و ایسـتادگی تمام بـه شـهادت رسـیدند و مظلومیـت آنـان نشـان داد که انقلاب اسـلامی زنـده و بالنـده اسـت. خانواده‌هـای این شـهدا نیز ولی‌نعمتـان ملت‌اند و صبـر و اسـتقامت آنـان دشـمن را ناامیـد می‌کنـد.»

مقدم‌فر با گرامیداشـت حماسـه ۹ دی تصریح کرد: «در تاریخ اسـلام و انقـلاب اسـلامی، هـرگاه ملت‌هـا بـه الگـوی امـام و امـت پایبنـد بوده‌انـد، فتنه‌هـا خنثـی و دشـمن نـاکام شـده اسـت. فتنه سـال ۸۸ نیز بـا بصیـرت و ولایت‌پذیـری ملت ایران ناکام مانـد.» وی افزود: «حتی در صـدر اسـلام و در دوران امیرالمؤمنیـن علـی(ع)، بی‌توجهـی به این الگو موجب خانه‌نشـینی آن حضرت شـد، اما در ۴۷ سـال گذشـته هر جـا ملـت ایـران بـا تبعیـت از رهبـری در صحنـه حاضر شـده، پیروزی رقـم خـورده اسـت؛ چـه در ۹ دی و چـه در جنـگ ۱۲ روزه که بصیرت ملـت و درایـت فرمانـده کل قـوا، توطئه دشـمن را خنثی کرد.» مشـاور فرهنگـی و رسـانه‌ای فرمانـده سـپاه در پایـان گفـت: «دو عنصـر امام و امـت بصیـر، عامـل پیـروزی حقیقی اسـت و بایـد این الگـو را جهانی کـرد تـا بـر اسـاس بیانیـه گام دوم انقـلاب، مسـیر تحقـق تمـدن نوین اسـلامی همـوار شـود؛ مسـیری کـه بـا ایثـار شـهدا تـداوم یافتـه و بـه آینـده‌ای روشـن و وعده‌داده‌شـده منتهـی خواهد شـد.»

درباره ماجرای هواپیمای الحداد، ترکیه و پاکستان

سقوط در لیبی یا ترکیه؟

ادامه از صفحه یک

لیبی امروزه در عمل به دو منطقه عمده تقسیم شده است؛ نخست منطقه غربی با پایتختی شهر طرابلس که حکومت موسوم به دولت وحدت ملی لیبی به رهبری عبدالحمید الدبیبه، نخست‌وزیر این دولت در آن قدرت دارد و از حمایت ترکیه بهره می‌برد. قسمت دوم و در شرق لیبی، حکومتی دیگر با نام ارتش ملی لیبی به فرماندهی خلیفه حفتر مستقر است که طی سالیان گذشته مورد حمایت عربستان سعودی، امارات، مصر و رژیم صهیونیستی بوده است. تحول جدید در این کشور به پاکستان و سفر هفته گذشته مقام عالی نظامی این کشور به لیبی و انعقاد قراردادهای بزرگ نظامی مربوط می‌شود.

روز چهارشنبه هفته گذشته (۲۶ آذر ۱۴۰۴، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵) ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به بنغازی پایتخت شرق لیبی سفر کرده و با فرزند حاکم این منطقه و معاون به اصطلاح ارتش ملی لیبی دیدار کرده است. در جریان این سفر بزرگ‌ترین قرارداد صادرات تسلیحات پاکستان به امضا رسید که ارزشی برابر با ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار دارد.

پاکستان و لیبی بر این اساس پیمان همکاری دفاعی امضا کرده‌اند که شامل فروش سلاح، آموزش مشـــترک و تولید نظامی می‌شود. قراردادهای مزبور شامل فروش سلاح‌هایی در حوزه هوایی، زمینی و دریایی می‌شود. در حوزه هوایی طی ۲٫۵ سال پاکستان ۱۷ فروند جنگنده جی اف-۱۶ و ۱۲ فروند هواپیمای آموزشی «سوپر موشک» به نیروهای تحت امر حفتر تحویل می‌دهد.

این قرارداد می‌تواند موازنه نظامی در لیبی را تغییر داده و منجر به فتح نیمه غربی کشـــور توسط حکومت بخش شرقی شود. خلیفه حفتر در سال ۲۰۱۹ نیز تلاش کرد طرابلس را تصرف کند؛ اما ورود سامانه‌های پدافندی و پهپادهای شناسایی-رزمی بیرقدار ترکیه ورق را برگردانده و او را به عقب راندند. آنچه مانع فتح غرب لیبی شد، برگرداندن موازنه هوایی بود. نیروهای وابسته به حفتر از حمایت هوایی جنگنده‌های مصری و اماراتی بهره برده و به‌سرعت پیشـــروی می‌کردند، اما ورود پهپادهای ترکیه باعث شد تا قوای طرابلس نیز بتوانند علیه نیروهای دشمن عملیات هوایی اجرا کنند.

از سوی دیگر سامانه‌های پدافندی اعزامی توسط ترکیه، آزادی عمل جنگنده‌ها را از بین بردند. پاکستان با قرار گرفتن در کنار حفتر در مقابل ترکیه صف‌آرایی کرده که نیروها و مستشاران نظامی‌اش در غرب لیبی استقرار دارند. این اتفاق در حالی است که برای مدت‌ها روابط و همکاری ترکیه و پاکستان در امور نظامی، سیاسی و برخی پرونده‌های منطقه‌ای از قفقاز تا افغانستان به‌گونه‌ای بود که به نظر می‌رسید دو کشور نوعی ائتلاف تشکیل داده‌اند.

نکات

در خصوص تحولات جدید در منطقه و لیبی نکاتی وجود دارند.

۱ همگرایی پاکستان با ترکیه فاقد پایه‌های ایدئولوژیک بوده و بر برخی مسائل دیگر اســـتوار است. پاکستان، ترکیه و متحدانش را گزینه‌هایی برای حمایت اسلامی در قضیه کشمیر می‌دید، زیرا بسیاری از دولت‌های اسلامی به جهت ملاحظاتی که در هند و یا با دولت این کشور داشتند، علیه آن موضع‌گیری علنی نمی‌کردند.

با وجود روابط دیرینه پاکستان با عربستان این کشور به دلیل فروش نفت به هند و طرح‌های بلندمدت اقتصادی مانند کریدور آی‌مک حاضر به موضع‌گیری ضد دولت این کشور در قضیه کشمیر نبود. به طور کلی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس به دلیل فروش نفت و بحث کریدورها و کشورهایی مانند مصر به جهت نیازمندی شدید به توسعه روابط تجاری، از موضع‌گیری علیه هند خودداری می‌کردند.

در مقابل، ترکیه به رهبری اردوغان نیازمند جهت‌گیری در قبال کشـــمیر بود؛ زیرا او برای نفوذ در جهان اسلام و در مسیر احیای عثمانی، می‌بایست اقدامات نمادینی انجام می‌داد. ارتباط و نگاه ترکیه به پاکســـتان ریشه در روابط مسلمانان هند با امپراتوری عثمانی دارد. بخشی از مسلمانان هند به دلیل فشار دولت‌های اروپایی و حاکمان غیرمسلمان نسبت به رویکرد خلافت اسلامی علاقه‌مند شده بودند؛ با این حال فاصله زیاد مانع بزرگی برای اتصال آن‌ها به عثمانی بود. علاوه بر این موارد، همان‌طور که ترکیه از پاکستان در کشمیر حمایت می‌کند، پاکستان نیز همواره از نگاه ترکیه در جزیره قبرس و استقلال جمهوری خودخوانده قبرس شمالی حمایت کرده است.

پیشران دوم و مهم در ارتباط پاکستانی‌ها با ترکیه، تمایل به بهره‌گیری از ظرفیت نظامی این کشور بود. آنکارا به‌عنوان عضوی از ناتو به فناوری‌های غربی دسترسی داشت و خود یک صنعت بومی تسلیحاتی ایجاد کرده بود.

پاکستان برای خرید بالگردهای تی-۱۲۹ تمایل نشان داد که بعدها به دلیل مخالفت آمریکا ناکام ماند. این بالگرد نمونه ارتقایافته بالگرد تهاجمی ای-۱۲۹ ساخت شرکت آگوستاوستلند ایتال